

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»
۱۴ اکتوبر ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۲۵

ترجمه و تفسیر سوره التکاتر- ۱

سوره تکاتر در « مکه » نازل شده است .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْهَاتِمُ التَّكَاثُرُ (۱) حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲) كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳) ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴) كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ
الْيَقِينِ (۵) لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (۶) ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷) ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸)

معلومات موجز :

(سوره التکاتر) مکی است ، وداری (۱) رکوع ، و (۸) هشت آیت ، (۶۸) شصت و هشت کلمه ، و (۱۲۳) یکصد و بیست و سه حرف ، و (۶۹) شصت و نه نقطه است .

نام این سوره « التکاتر» در زیاده طلبی است که از آیت اول این سوره گرفته شده است .

اکثریت مطلق از مفسرین بر مکی بودن آن تأکید می نمایند ، ولی هستند عده ای از مفسرین که این سوره را مدنی می خوانند ، در حالی که موضوع بحث و شیوه بیان و اسلوب ادبی آن به وضاحت، بر مکی بودن این سوره گواهی می دهد .

در این سوره به یکی از امراض خطرناک انسانی که بر اثر آن همه اشوب ها ، فتنه ها ، جنگ ها ، خونریزی ها، تن دادن به پستی ها و تجاوز بر حقوق دیگران در حیات فردی و اجتماعی پدید می آید ، مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است .

مریضی حرص (و) آز ، مسابقه ناروا میان انسان ها در کسب هر چه بیشتر مال و جاه ، همین مریضی خطرناک است که انسان را به یک حیوان وحشی و درنده مبدل می سازد، او را بی رحم و قسی القلب به بار می آورد ، رحم و عاطفه را در دل او می میراند تا آنجا که برای اشباع حرص ، خود به هر جنایتی متوسل می شود ، به دنانندی تن می دهد و هر کاری را جائز می داند.

علماء می گویند که اگر تمام جهان و هر چه در آن است را به طماع بدهند، هرگز عطش حریصان فرو نمی‌نشیند و هیچ گاه سیر و قانع نمی‌شوند و باز هم در جست و جو و تکاپوی به دست آوردن چیزهای دیگر و بیشتر و بزرگتر هستند.

«حرص و طمع» عبارت است از توقع بی‌جا و اشتیاق بی حد و حصر داشتن، آزمندی، زیاده‌خواهی و افزون طلبی، بسیار خواستن، در پی آرزوهای طویل و دست نیافتنی و نامناسب بودن، انتظار ناپسند و بی مورد و خواسته‌های ناحق و روحیه سیری ناپذیر داشتن، از روی هوا و هوس و شهوت و طغیان دنبال چیزی رفتن و دل بستن بیهوده به آن، تمایل ناصحیح و رغبت شدید و علاقه نابجا و مفرط نشان دادن خصوصاً به اموال، مادیات، متاع‌های دنیوی و سرمایه‌های عمومی و بیت المال و تجاوز به حقوق و اموال دیگران، مال و ثروت اندوزی و نیز به معنای مقام پرستی، ریاست طلبی و میل و هواپرستی و شهوت گرایی و مادیگری آمده است.

یادداشت :

«تکائر» از «کثرت» به معنای افزون‌طلبی و فخرفروشی به دیگران به واسطه کثرت اموال و اولاد گرفته شده است. تفاخر از ریشه فخر و به معنای فخر فروشی و مباحات به اشیاء و امور خارج از ذات انسان می باشد که در اموری مانند: (مال، جاه و اولاد، ویا مباحات به مکارم و محاسن، و صفات انسانی، صورت می گیرد).

کلمه «تفاخر» یک بار در قرآن عظیم الشان و آن هم در سوره حدید آیت ۲۰ به کار رفته است «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ ...» (آگاه باشید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه ای است طفلانه و لهو و زیب و آرایش و تفاخر و خودستایی با یک دیگر و حرص افزون مال و فرزندان است)

ترجمه موجز :

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

«أَلِهَاتُكَ التَّكَاثُرُ» (۱) (افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است.

«حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (۲) (تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را برشمردید و به آن افتخار کردید)

«كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» (۳) (چنین نیست که می پندارید، (آری) به زودی خواهید دانست!)

«ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» (۴) (باز چنان نیست که شما می پندارید به زودی خواهید دانست!)

«كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ» (۵) (چنان نیست که شما خیال می کنید اگر شما علم الیقین (به آخرت) داشتید (افزون طلبی شما را از خدا غافل نمی کرد)

«لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ» (۶) (قطعاً شما جهنم را خواهید دید!)

«ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ» (۷) (سپس (با ورود در آن) آن را به چشم الیقین خواهید دید.)

«ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (۸) (سپس در آن روز (همه شما) از نعمتهائی که داشته اید بازپرسی خواهید شد!)

خلاصه تفسیر :

افتخار (بر وسایل دنیوی) شما را (از آخرت) در غفلت انداخت است، تا این که شما در قبرستان می رسید (می میرید، کذا فی تفسیر ابن کثیر مرفاعاً) هرگز چنین نیست (نه وسایل دنیوی قابل افتخار هستند و نه آخرت قابل غفلت می باید، و) اگر شما قطعاً می دانستید (دلایل صحیح اندیشه و فکر را به کار می گرفتید و نسبت به آن یقین می آمد، پس هرگز

بر این وسایل افتخار و از آخرت غفلت پیش نمی آمد) به خدا که شما مردم حتماً جهنم را خواهید دید ، باز (مکرراً به خاطر تأکید گفته می شود) و الله که شما حتماً آن را چنان می بینید که خود یقین است، (زیرا این دیدن از روی استدلال و دلایل نمی باشد که در تحصیل یقین قدری درنگ بشود ، بلکه این مشاهده به چشم می شود ، خلاصه این که مشاهده با چشم را به عین الیقین تعبیر نمود) سپس (سخنی دیگر بشنوید که) در آن از شما نسبت به همه نعمت ها باز خواست خواهد شد ، (که آیا حق نعمت های عطیه خداوندی را باایمان و اطاعت بجا آوردید یا نه)

آشنائی با این سوره :

اولین هشدار و اندازی که در این سوره داده شده است ، ملامتی و سرزنش اشخاصی است که براساس يك تعداد موضوعات موهوم بر یک دیگر تفاخر می کنند، هکذا در این سوره هشداري نسبت به مسأله معاد و قیامت و آتش دوزخ ، و در نهایت امر هشداري در زمینه مسأله سوال و بازپرسی از نعمتها می دهد.

وجه تسمیه و یا نام گذاری سوره :

سوره « تکاثر » به دلیلی به این نام مسمی گردیده است که پروردگار با عظمت ما در اول سوره می فرماید: «اللَّهَآكُمُ التَّكَاثُرُ» یعنی: فخر نمودن به کثرت اموال و اولاد و یاران و خدمتکاران، شما را غافل داشت بنهائی می گویم که نام این سوره از آیت اول آن گرفته شده است. «اللَّهَآكُمُ التَّكَاثُرُ»

شان نزول سوره تکاثر :

مفسرین در شأن نزول این سوره می فرمایند که این سوره در باره دو قبیله از قبایل انصار، یعنی قبایل بنی حارثه و بنی الحارث نازل گردید که به ازدیاد مردم قبیله خود بر یکدیگر فخر فروشی کردند. پس در آغاز هر قبیله افراد زنده قبیله خویش را برشمردند سپس گفتند: بیایید به سوی قبرستان برویم تا ببینیم که چه کسی از دو قبیله ما در شمار بیشتر است؟ لذا به قبرستان رفته و به شمردن قبرهای یکدیگر پرداختند. همان بود که پروردگار با عظمت ما این سوره را نازل فرمود.

در حدیث شریف به روایت مسلم، ترمذی و نسائی از عبدالله بن شخیر آمده است که فرمود: « نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم ، رفتم در حالی که ایشان سوره کوثر را می خواندند . پس فرمودند: فرزند آدم می گوید: مال من! مال من! و مگر برایت از مالت جز آن چیزی است که خورده ای و نابودش کرده ای، یا پوشیده ای و کهنه اش ساخته ای، یا صدقه داده ای و آن را مصرف کرده ای؟».

در روایت دیگری اضافه شده است: «بدان که ماسوای این هر چه که داری، بر باد رفته است و آن را برای مردم باقی گذاشته ای».

همچنین در حدیث شریف به روایت انس بن مالک آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «یتبع المیت ثلاثه: فیرجع اثنان ویبقي معه واحد: یتبعه أهله وماله وعمله، فیرجع أهله وماله ویبقي عمله: سه چیز مرده را دنبال می کند پس دو چیز برمی گردد و یک چیز همراه او باقی می ماند: دنبال می کنند او را خانواده، مال و عملش پس خانواده و مالش برمی گردند و عملش باقی می ماند».

فضیلت سوره :

رسول الله صلی الله علیه وسلم خطاب به صحابه فرمود: آیا یکی از شما نمی تواند هر روز هزار آیت از قرآن را بخواند، صحابه کرام عرض کردند چه کسی می تواند هر روز هزار آیت تلاوت کند، آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا یکی از شما نمی تواند سوره «أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ» را بخواند، مقصد این که خواندن «أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ» در هر روز برابر با خواندن هزار آیت می باشد. (مظهري به حواله حاکم و بیهقی عن ابن عمر)

توضیح مختصر در باره سوره:

خداوند متعال به لطف و رحمت خود در دعوت انسان به سوی بندگی خود ابتداء او را از خواب غفلت بیدار می کند و او را چنین خطاب قرار می دهد که: ای انسان! چنین تصور مکن که وضعیت موجود و این زندگی دنیائی که به آن عادت کرده ای تا ابد این گونه خواهد بود و تغییر و تحولی نخواهد یافت. ای انسان! این را بدان که ناگهان تغییری روی می دهد که تمام این جهان را بر هم می زند.

لازم به ذکر است که انسان طبیعتاً وقتی با چیزی خو گرفت چنان تصور می کند که هرگز از آن جدا نمی شود و آن چیز هرگز از بین نمی رود. انسانی که به دنیا و مال و ثروت و نعمت و امکاناتش دل خوش می کند و به آنها خو گرفته است کم کم فراموش می کند که روزی خواهد آمد و هرآنچه دارد تمام می شود و از بین می رود. این جاست که باید از خواب غفلت بیدار شود و به خود بیاید که چنین تصویری درست نیست. این وضعیت و زندگی روزی از بین می رود. این جهان روزی تغییر خواهد کرد وضعیت دیگر و جهانی دیگر به وجود خواهد آمد که هیچ شباهتی با این دنیا ندارد.

در همین راستا بسیاری از آیات قرآن عظیم الشان به این تغییر و دگرگونی اشاره می کنند و از به وجود آمدن وضعیت دیگری خبر می دهند، وضعیتی که در آن انسان بعد از مردن دوباره زنده می شود و در دادگاه و محکمه پروردگار حاضر می شود تا محاکمه شود.

برای نمونه در سوره «تکاتر» کسانی را خطاب قرار می دهد که از قیامت و انجام وظیفه و مسؤلیت خود غافل هستند و به امکانات و نعمت های دنیائی به عنوان هدف نگاه می کنند و از یاد برده اند که این نعمت ها وسیله ای هستند برای شناختن الله و راه او و انتخاب آن، و این را فراموش کرده اند که روزی خواهد آمد که در آن به دادگاه الله احضار می شوند و از آنها این گونه سؤال خواهد شد که: «از امکانات و نعمت های خداوند چگونه استفاده کردید؟» آنها را این چنین خطاب قرار می دهند که:

«أَلْهَكُمُ التَّكَاثُرُ، حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» ای انسان های غافل! ای آنانی که چنان سرگرم و مشغول به دست آوردن مقام و موقعیت دنیائی شده اید و در این راه باهم مسابقه می دهید که مسؤلیت و وظیفه خود را فراموش کرده اید. آیا نمی دانید و فراموش کرده اید که هرکس امکانات و نعمت بیشتری داشته باشد مسؤلیتش نیز بیشتر خواهد بود؟! دنبال کردن مقام و موقعیت و ثروت شما را به چنان حد سرگرم کرده است که از مسؤلیتی که دارید و سرانجامی که منتظران است غافل شده اید و هم چنان در این حالت هستید تا این که مرگ شما را دریابد. شما به خود نمی آئید و از غفلت بیدار نمی شوید تا زمانی که گورهایتان را دیدار کنید (زمانی مرگ تان فرا رسد و آنگاه که در جایگاه ابدی قرار بگیرید).

ای انسان های غافل! ای آنانی که هم و غمتان کسب مال و ثروت بیشتر و دست یافتن به مقام و موقعیت بالاتر است! چرا مسؤلیت و وظیفه خود را فراموش کرده اید و زندگی را این گونه سپری می کنید و تا زمانی که در جایگاه ابدی قرار بگیرید به خود نمی آئید؟!

ای انسان های غافل!

« کلا سوف تعلمون (۳) ثم کلا سوف تعلمون» (۴) خداوند با این خطاب آنان را سرزنش و توبیخ می کند و می فرماید: نه، نه، این کار را نکنید. بس است، این کار را نکنید. غفلت بس است. خود را به کسب مال مشغول نکنید و تلاش و فعالیت تان مسابقه در کسب مال و موقعیت بیشتر نباشد زیرا طولی نخواهد کشید که به واقعیت پی خواهید برد و خواهید فهمید که چه خبر است و چه روی خواهد داد.

(کلا) نه، نه، از خواب غفلت بیدار شوید و دست از این مسابقه بکشید: (لو تعلمون علم الیقین)* (۵) اگر می دانستید و اگر بدانید چه سرانجامی در پیش دارید هرگز این کار را نمی کردید. چرا غافلید؟ چرا در این فکر نیستید که روزی خواهد آمد و از شما در مورد اعمالتان سؤال خواهد شد؟! چرا به خود نمی آئید و همیشه در فکر جمع آوری مال دنیائی هستید؟! این را بدانید که: «لترونّ الجحیم» (۶) قسم به خدا آن آتش سوزنده شعله ور را خواهید دید.

ابتداء از دور آن را می بینید و بعد: «ثم لترونّها عین الیقین» (۷) به آن نزدیک می شوید و به گونه ای آن را مشاهده می کنید که جای هیچ شک و تردیدی نمی ماند. با چشم یقین آن را می بینید و به وضوح می فهمید که آن آتش، آتش جهنم است و برای افرادی همچون شما آماده شده است و راه نجات و چاره ای نیست. این را بدانید که در آن روز در باره همه نعمتهائی که به شما بخشیده شده مورد سؤال قرار خواهید گرفت:

« ثم لتسئلنّ یومئذ عن النّعم» (۸) در چنین روزی از آن همه نعمت و امکانات که در اختیار تان قرار داده شده سؤال خواهد شد. از شما پرسیده می شود: چگونه از آن نعمتها استفاده کردید؟

ادامه دارد